

تعمید کودکان

پروتستانها کودکان را تعمید نمی‌دهند، و به ضرورت ایمان قبل از تعمید اصرار دارند، بنابر این گفته خداوند که: «هر که ایمان آورده، تعمید باید نجات یابد»^۱، و همچنین بر این حقیقت اصرار دارند که کودکان به هنگام تعمید معنای آن را درک نمی‌کنند. پس چگونه می‌توان بدون ایمان و درک تعمید گرفت؟

لیکن ما به دلایل زیر بر تعمید کودکان اصرار داریم:

(1) ما نگران حیات ابدی کودکان هستیم چراکه خداوند گفت: «...اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود»^۲. پس چگونه می‌توانیم کودکان را تعمید ندهیم و آنان را در برابر داوری الهی قرار دهیم؟ چراکه خداوند کودکان را از جملات فوق معاف نکرد.

(2) کودکان بوسیله تعمید، فرصت زندگی در کلیسا و بهره بردن از رازهای مقدس کلیسا را خواهند یافت. آنان همچنین در کلیسا از تمام آثار فیض الهی در زندگی خود برخوردار خواهند شد. بدین وسیله، ما عملاً کودکان را برای زندگی ایمانی آماده می‌کنیم. اگر کودکان را از کلیسا محروم سازیم، ایمان و آثار فیض را از ایشان سلب می‌نماییم.

(3) کلام خداوند: «هر که ایمان آورده، تعمید باید نجات یابد»^۳ برای بالغین است که قادر به درک مفهوم ایمان هستند. به همین دلیل و بنابر همین آیه، ما نمی‌توانیم بالغینی را که ایمان ندارند تعمید دهیم. اما در مورد کودکان، امر خداوند را اجرا می‌کنیم که می‌گوید: «بگذارید کودکان نزد من آیند و ایشان را باز مدارید، زیرا پادشاهی آسمان از آن چنین کسان است»^۴.

(4) از نظر ایمان، کودکان همه چیز را می‌پذیرند و بدان ایمان می‌آورند؛ آنان ایمان را انکار نمی‌کنند؛ هنوز شک‌ها و سؤالات و بهانه‌های بزرگسالان بر آنان تأثیر نگذاشته است. چیزی نیست که آنها را از ملکوت خدا محروم سازد. تعمید کودکان مطابق اصل «نجات رایگان» است که پروتستانها به شدت به آن اعتقاد دارند.

(5) اگر ما بخواهیم افراط گونه به مسأله ایمان در تعمید توجه کنیم، همچنین باید بسیاری از بالغینی که هنوز درک کافی از حقیقت و عمق ایمان را ندارند محروم کنیم، همچون بسیاری از روستائیان، کارگران، بی‌سوادان، کم‌سوادان و تمام کسانی که فکر محدودی دارند و نمی‌توانند حقایق عمیق ایمانی را درک کنند. ممکن است بپرسیم: اندازه ایمان چنین اشخاصی چقدر باید باشد؟ آیا باید آنان را نیز همچون کودکان از تعمید محروم کنیم؟

(6) برخی می‌پرسند: اگر کودک پس از بلوغ ایمان را انکار کند آنوقت چه خواهد شد؟

در آن صورت او مرتد خواهد بود. وی ممکن است با اراده آزاد خود، فیضی را که یافته است رد کند. ما وظیفه خود را نسبت به او انجام داده‌ایم و سایر موارد به خودش مربوط است. او همانند کسی خواهد بود که به روح شروع کرده است و الان با جسم

¹ مرقس 16:16

² یوحنا 3: 5

³ مرقس 16:16

⁴ متی 19: 14

می خواهد کامل شود.⁵

(7) آنان که تعمید کودکان را نمی پذیرند، حقیقتاً ضرورت تعمید برای نجات را انکار می کنند.⁶ زیرا اگر آنان ایمان داشته باشند که نجات بوسیله تعمید میسر است، مسأله تعمید کودکان نیز مهم خواهد بود.

از آنجا که پروتستانها مصرّد که تنها ایمان شرط نجات است، و کودکان نیز ایمان ندارند، پس در نظر آنان چه بر سر کودکان تعمید نیافته و بی ایمان خواهد آمد؟ آیا آنان بدون ایمان و تعمید نجات خواهند یافت؟ سؤال بی پاسخ خواهد ماند.

(8) ما کودکان را تعمید می دهیم زیرا کتاب مقدس بدان اشاره می کند. کتاب مقدس به تعمید تمام بستگان و اهل خانه اشاره می کند و بی شک در میان اهل خانه، کودکان نیز هستند.

در زیر به برخی نمونهها اشاره می کنیم:

(الف) تعمید زندانبان فیلیپی: حضرت پولس و حضرت سیلاس به او گفتند: «به خداوند یسوع مسیح ایمان آور که تو و اهل خانهات نجات خواهید یافت»⁷. این بدان معناست که ایمان زندانبان نخستین گام نجات اهل خانه است. به همین دلیل است که بعد از آن نوشته شده: «آنگاه کلام خداوند را برای او و همه کسانی که در خانه اش بودند بیان کردند. در همان ساعت از شب، زندانبان آنها را برداشته، زخمهایشان را شست و بی درنگ او و همه اهل خانه اش تعمید گرفتند»⁸. کتاب مقدس کودکان را از سایر اهل خانه زندانبان فیلیپی جدا نمی کند بلکه می گوید: «... او و همه کسانی که در خانه اش بودند» که مطمئناً شامل کودکان نیز می باشد.

(ب) در مورد تعمید لیدیه، زن ارغوان فروش، نوشته شده: «و چون او و اهل خانه اش تعمید یافتند»⁹.

(ج) پولس رسول فرمود: «خاندان استیفان را نیز تعمید دادم»¹⁰. آیا در تمام خاندان استیفان یک کودک هم نبود؟

(د) کتاب مقدس اشاره نکرده که در بین تعداد کثیری از مردم که در روز پنطیکاست تعمید یافتند، کودکان نبودند.

(9) تعمید کودکان امری تاریخی است. در اینجا ما به اختلاف نظر میان آگوستین قدیس و جروم قدیس درباره منشأ روح – که آیا آفریده شده یا زاده شده است – اشاره می کنیم.

حضرت آگوستین گفت که روح همراه انسان زاده شد و حضرت جروم گفت که روح آفریده شد. حضرت آگوستین پرسید: «اگر روح آفریده شود، گناه آدم را به ارث نمی برد. پس چرا ما باید کودکان را تعمید دهیم؟»¹¹ حضرت جروم نتوانست به این سؤال پاسخ دهد.

(10) هیچ آیه ای در مورد منع تعمید کودکان در کتاب مقدس دیده نمی شود.

⁵ ر.ک. غلاطیان 3:3

⁶ ر.ک. مرقس 16:16

⁷ اعمال 16:31

⁸ اعمال 16:32 و 33

⁹ اعمال 16:15

¹⁰ اول قرنتیان 16:1

¹¹ رساله 167 آگوستین به جروم فصل اول، قسمت اول (سال 415)

(11) ما کودکان را بر حسب ایمان والدینشان تعمیم می‌دهیم. در مورد این امر اساساً در کتاب مقدس نمونه‌های زیادی وجود دارد:

(الف) چنانکه پیشتر اشاره کردیم، در عهد عتیق، ختنه نماد تعمیم است. بنابر عهد بین خدا و ابراهیم، شخص ختنه شده عضو قوم خدا به حساب می‌آمد.^{۱۲} می‌دانیم که بنا بر امر خدا، ختنه در روز هشتم پس از تولد انجام می‌شد.^{۱۳} پسر هشت روزه در مورد عهد بین خدا و ابراهیم چه می‌دانست؟ تا چه اندازه از عضو شدن در قوم خدا آگاه بود؟ بی‌شک، او از آن هیچ اطلاعی نداشت، اما بر پایه ایمان والدینش به چنین عهدی، ختنه می‌شد. او عضو قوم خدا و وارث وعده‌هایی می‌شد که خدا به ابراهیم داده بود. کودک همه اینها را به واسطه ایمان والدینش کسب می‌کرد.

(ب) عبور از دریای سرخ، یکی از نمادهای تعمیم (یا خود تعمیم) بود، چنانکه پولس رسول شرح داد.^{۱۴} این امر، رهایی از بردگی موت، شیطان و گناه را مهیا کرد. بالغینی که از وعده خدا به موسی آگاه بودند از دریا عبور کردند؛ آنان معنای نجات از بردگی بواسطه دستان خدای قادر مطلق را می‌فهمیدند، و آنگاه که از دریا عبور کردند (تعمیم) نجات یافتند. اما در مورد کودکانی که بوسیله پدران و مادران خود حمل و از دریا عبور کردند چه باید گفت؟ البته آنان نیز از بردگی رهایی یافتند. آنان تعمیم گرفتند اما نه بر پایه ایمان خود بلکه ایمان والدینشان، زیرا کودک بودند و از وقایع اطلاعی نداشتند.

(ج) نمونه پرمایه و مهم دیگر، نجات کودکان از طریق خون بره فصیح است که تمام نخست‌زادگان مصری را کشت. خداوند به موسی امر کرد که یک بز یا گوسفند یک ساله نر سالم را بکشند و خون آن را بر قائمه‌ها و سردر خانه‌ها بپاشند، و گفت: «خون را خواهم دید و از شما به آن سوی خواهم جهید»^{۱۵}.

خون بره فصیح نمادی از خون مسیح خداوند بود که از طریق آن نجات را بدست آوردیم، چنانکه پولس رسول فرمود: «زیرا که فصیح ما مسیح در راه ما ذبح شده است»^{۱۶}.

و حال سؤال اینجاست: کودکانی که با خون بره فصیح نجات یافتند، چه ایمانی داشتند؟ آنان در مورد عهد بین خدا و موسی یا در مورد فصیح و نجات از مرگ از طریق خون بره فصیح چه می‌دانستند؟ بی‌شک آنان چیزی در این رابطه نمی‌دانستند، اما از طریق ایمان والدینشان نجات یافتند، والدینی که به خون بره، ثمرات آن و اهمیت خون بره فصیح برای نجاتشان ایمان داشتند.

کودکانی که با ختنه شدن، با خون بره فصیح و با عبور از دریای سرخ نجات یافتند، تنها پس از بلوغ به تمام آن مسائل عارف شدند. با این حال، نجات را در کودکی بطور رایگان و از طریق ایمان والدینشان دریافت کردند. وقتی کودکان بالغ شدند، عملاً این ایمان را پذیرفتند.

¹² ر.ک. پیدایش 17: 11

¹³ ر.ک. پیدایش 17: 12

¹⁴ ر.ک. اول قرنتیان 10: 2

¹⁵ خروج 12: 13

¹⁶ اول قرنتیان 5: 7